

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۰۱ دعای ۱۴  
جلسه ۳۹۵ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۳/۰۹/۰۵



## فهرست

- سبک زندگی موحدانه، در پرتو صحیفه مبارکه سجادیه
- دعای چهاردهم؛ دعای درخواست نصرت از خدای متعال
- گستره‌ی علم الهی به سرگذشت ستمدیدگان
- خداوند متعال؛ یار مظلومان و دشمن ظالمان
- دعای چهاردهم؛ دعای نصر
- صلوات، وساطت در استجابت دعا است
- اتحاد مؤمنین با حقیقت و روح تقوا
- رویارویی جوانمردانه؛ روش محمد و آل محمد
- خشنودی به نصرت الهی
- طلب عفو و رحمت الهی در ازای تحمّل ظلم
- درخواست برای محفوظ ماندن از ظلم کردن بر دیگران
- غیرت توحیدی در برابر جریان طاغوت
- درخواست اجابت دعا
- درخواست آزمایش نشدن با ناامیدی
- درخواست مقام رضا و تسلیم
- دعا برای غلبه بر کینه و خشم از دشمن
- درخواست دوری از تمایلات و درخواست های ناپسند و حرص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردمده

ما یک تجاوبی بکنیم، جمعاً به آن مراجعه‌ای داشته باشیم، لذا بحث جاری در باره دعای بیستم، دعای مکارم الاخلاق را ان شاء الله از نوبت بعد ادامه خواهیم داد. این جلسه یک نگاه به دعای چهاردهم داشته باشیم که ان شاء الله بناست مؤمنین در این ایام با آن انس داشته باشند مراجعه کنند و ان شاء الله نسبت به این دعای نورانی اهتمام داشته باشند.

### سبک زندگی موحدانه، در پرتو صحیفه مبارکه سجادیه

بنابراین عنوان دعا این است «كَانَ مِنْ دُعَاءِ السَّجَادِ ع إِذَا أَعْتَدِيَ عَلَيْهِ أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ»<sup>۲</sup> این دعا مربوط می‌شود به وقتی که از ناحیه ستمگران و ظالمان نسبت به حضرت تعدی صورت می‌گیرد،

۲ فرازی از دعای چهاردهم صحیفه مبارکه سجادیه

«كَانَ مِنْ دُعَاءِ السَّجَادِ ع إِذَا أَعْتَدِيَ عَلَيْهِ أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ»<sup>۱</sup>

همان طور که عزیزان مطلع هستند، براساس سؤالی که از رهبر عزیزمان شده بود که برای شرایط کنونی جبهه مقاومت چه دعایی، چه ذکر مناسب است که مؤمنین اهتمام داشته باشند، پیشنهادی که حضرت آقا در پاسخ به آن سؤال مطرح کردند اول تلاوت قرآن بود، سوره مبارکه فتح، دوم: دعای چهاردهم صحیفه مبارکه سجادیه و سوم هم دعای توسل.

بنابراین با جلسه ما تناسب دارد که در آن بالاخره درس صحیفه مبارکه سجادیه هست، آن پیشنهاد دعای چهاردهم را

۱ فرازی از دعای چهاردهم صحیفه مبارکه سجادیه

نسبت به آن موضوع چگونه تنظیم شده باشد، اگر مبتنی بر جهان‌بینی توحید و منطق وحی تنظیم شده باشد، این زیست می‌شود زیست موحدانه و در واقع زندگی این شخص در پرتو توحید عالم دیگری پیدا می‌کند. لذا از جمله این مناسبت‌ها یکی اش هم همین است، پس ما خیلی مناسبت‌ها در صحیفه مبارکه داریم که امام (علیه‌السلام) از آن‌ها استفاده می‌کنند. از جمله مثلاً دعای پانزدهم که در باره بیماری است. خود بیماری از نگاه امام (علیه‌السلام) یک فرصت است برای سیر توحیدی، تقویت ارتباط با خدای متعال و تقویت آن نگرش توحیدی، و بعد هم به ما آموزش می‌دهد که در آن موقعیت خاص، سبک زندگی موحدانه چه اقتضایی دارد، خیلی از این جهت صحیفه فوق‌العاده است. از جمله موردی است که انسان مورد ظلم قرار بگیرد، یک

حضرت در پیشگاه پروردگار متعال این‌گونه دعا می‌کردند.

بینید ساختار این دعا طبق قاعده‌ای که در صحیفه عرشیه هست همان نگرش توحیدی است. ما یک قاعده کلی داریم و آن این که صحیفه مبارکه سجادیه در واقع مکتب توحید است، مدرسه توحید است، تربیت در آن تربیت توحیدی است. لسان، لسان دعا است که منطقش سیر موحدانه است. ولی علاوه بر این، هر مناسبتی که در زندگی پیش می‌آید، آن مناسبت را امام (علیه‌السلام) بهانه می‌کنند برای تقویت بنیه توحیدی مؤمنین و یک دستورالعمل می‌دهند که این دستورالعمل مجدداً همان نگرش توحیدی، جهان‌بینی توحیدی را در آن‌ها تقویت می‌کند و زاویه دید به آن‌ها می‌دهد. این خیلی مهم است که ما در هر مناسبتی قرار می‌گیریم زاویه دیدمان

می‌کند ما نفرینش می‌کنیم، این است دیگر، این مقدار هست، مثلاً می‌گوییم خدا ریشه‌ات را بکنند، خدا نابودت کند، خدایا در بدرت کند، این‌ها است، یعنی از خدای متعال می‌خواهیم که خدایا به من کمک کن که پدرش را در بیاورم، او را له کند، پس این یک قسمت از ماجرا است. ولی وقتی مراجعه می‌کنید به امام (علیه‌السلام) می‌بینید این اصلاً عالم دیگری است؛ عالم زیست موحّدانه، نوع نگاه به موضوع، توقعی که از خدای متعال داریم. لذا این درخواستی که دارد انجام می‌شود چند وجهی است. مناسبت همان اعتداء و تجاوز و تعدی و ظلمی است که نسبت به انسان صورت گرفته است، اما این جا چه چیزهایی را ما باید بخواهیم؟ این جا شما در باره خودتان می‌خواهید، در باره طرف مقابل می‌خواهید، نگاه دنیایی

ظالمی یا ظالمانی یا دستگاه ظالمی به انسان تعدی کند، این جا باید چه کار کند؟ حالش چه باشد؟ چه بگوید؟ چه بخواهد؟ مراجعه‌اش به درگاه حضرت حق تبارک و تعالی چگونه باشد؟ این دعای چهاردهم یک چنین دعایی است. بنابراین فضای عمومی دعا این است.

### دعای چهاردهم؛ دعای درخواست نصرت از خدای متعال

طبیعی است که در دعای چهاردهم شما مواجه هستید با درخواست یاری و کمک از پروردگار متعال در یک چنین موقعیتی که انسان مورد ستم قرار می‌گیرد. بنابراین این درخواست با چه ادبیاتی باشد؟ چه نکته‌هایی در آن ملاحظه شده باشد؟ کاملاً یک دعای متفاوت و چند وجهی است. وقتی کسی به ما ظلم

سید الساجدین (علیه‌الصلوة والسلام)، احساس رقاء، احساس پرواز، احساس ابتهاج پیدا می‌کند. همه موضوعات تقریباً همین است. پس این نگاه، نگاه از منظر ولی کامل است که نگرش او به موضوع نگاه جمع‌الجمعی است، جوانب کار را می‌بیند، عمق آن را می‌بیند، ظاهرش را می‌بیند، باطنش را می‌بیند و بعد نسبت آن اتفاق را با خودش و با عالم و با خدای متعال می‌بیند و بعد درخواستش را مطرح می‌کند، این یک عالم دیگری است. به هر حال این ساختار عمومی دعای چهاردهم است. وقتی که شما وارد می‌شوید می‌بینید در هر فرازی امام (علیه‌السلام) شما را به یک منطقه جدیدی در ارتباط با موضوع وارد می‌کند.

نکته دوم این که، فضای دعا در نگاه اول در موردی است که شخص من توسط ظالمی

به موضوع دارید، نگاه آخرتی هم به مسأله دارید، نگاه تقدیری به مسأله هم دارید، توجه به حکمت‌های دیگر مسأله هم پیدا می‌کنید. سراغ خودتان که می‌آیید، می‌گویید پس اگر این رفتار بد است من یک وقت این رفتارها را مرتکب نشوم. ببینید سمت خودتان هم می‌آید. خیلی عجیب است، یعنی اصلاً یک نگاه بسیط نیست. نگاه بسیط است، ولی همان است که خدمت‌تان گفتم، خدایا این کسی را که به من ظلم کرده نابودش کن، ریشه‌اش را بکن، در بدرش کن، نفرینش می‌کنید، من را هم یاری کن که بالاخره بر او پیروز بشوم، این را دعا می‌کنید.

اما ببینید امام سجاد (علیه‌السلام) شما را وارد چه آفاقی می‌کند، حقیقتاً خیلی فوق‌العاده است و انسان حظ می‌برد، یعنی وقتی می‌رود به مکتب



ستمگران و ظالمان از ناحیه استکبار، از ناحیه کفر، از ناحیه دستگاه صهیونیسم، از ناحیه استکبار جهانی دارند نسبت به یک جمعی از مسلمان‌ها ظلم و تعدی می‌کنند، چون جامعه اسلامی در واقع یک جامعه یکیارچه است، وقتی نسبت به بخشی از مسلمان‌ها این ستم صورت بگیرد، گویا نسب به ما صورت گرفته است. وقتی به یک خانواده مسلمان و مؤمن تعدی اتفاق می‌افتد فرض این است که به خانواده ما ظلم و ستم صورت گرفته باشد. یعنی این احساس مشترک که به برکت ایمان و اسلام وجود دارد در این جا هست. خیلی فرقی نمی‌کند این بیت در شهر ما باشد، در کشور ما باشد، در یک کشور دیگر باشد، این طرف دنیا باشد، یا آن طرف دنیا باشد. لذا این جزء اولیات زیست مسلمانی است، خیلی اولیه است که فرمود مسلمان‌ها

مورد ظلم و تعدی قرار می‌گیرم، یک کسی، ستمگری دارد به من ظلم می‌کند. وقتی که فضای آن را می‌خوانید احساس می‌کنید این گونه است. حتی یک قطعه‌ای هم دارد که فلان بن فلان، یعنی اسمش را هم می‌برند که فلانی است، ابن فلانی، این که به من دارد ظلم می‌کند می‌خواهم او را به اسم، به رسم در پیشگاه خدای متعال اسم او را ببرم و بعد دعا کنم. ضمیرها ضمیرهای شخصی است، در کل دعا که مراجعه می‌کنید این چنین است، آن کسی است که به من ظلم کرده است، به من کمک کن این گونه رفتار کنم، یعنی به نظر می‌رسد فضایش در یک چنین موقعیتی باشد. اما طبع این دعا فقط منحصر به ظلم شخصی نیست. شما می‌توانید از ظرفیت این دعا برای ظلم اجتماعی هم استفاده کنید، یعنی آن جایی که بالاخره



مثل یک پیکر واحد هستند. دیدید در یک پیکر واحد اگر یک عضوی از اعضای انسان آسیب بیند کل بدن رنج می‌برد. اگر به یک بخشی از عالم اسلامی تعدی صورت بگیرد همه بخش‌ها این درد را باید احساس کنند. اگر درد احساس نکنند قطعاً مسلمان نیستند، یعنی خط می‌خورند. خیلی صریح است. صریح کلام پیامبر عزیزمان است. اگر نسبت به یک مسلمانی تعدی صورت بگیرد و شما احساس رنج و درد نکنید، اسلام شما روی هوا است، یک اسلام ظاهری است، ریشه ندارد، عمق ندارد، حقیقت ندارد. وامصیباتا اگر آن مسلمان از شما کمک بخواهد شما به او کمک نکنید که دیگر هیچی. «من سمع رجلاً» بشنود که می‌گوید «یا للمسلمین» به فریاد من برسید «فلم یجبه» اگر به او جواب ندهد، این اصلاً مسلمان نیست، فرمود

لیس بمسلم. این معنایش این نیست که این شخص کافر شده است. نه، یعنی اسلامش مرضی خدای متعال نیست. این اسلام را خدای متعال دوست نمی‌دارد. بنابراین طبق قاعده شما وقتی که این جا دارید می‌گویید خدایا به من ظلم شده، یعنی ضمیرها وقتی ضمیرهای شخصی هم بخوانید، آن چنان که در متن این دعا هست، مثلاً فرض بفرمایید می‌گوید که قد علمت یا الهی ما نالنی من فلان بن فلان، مما حضرت می‌دانی که فلان بن فلان در باره من چه کرده است، بعد ممکن است تو بگویی خب به من که کاری نکرده که، من مشغول زندگی‌ام هستم. در حالی که طبق آن مبنایی که عرض کردیم دیگر نه، اگر به یک مسلمانی در یک جایی از این عالم ستمی بشود گویا به شما شده است.

مقصد دعا آسیبی وارد نشود که به نظر این کمترین در باره دعای چهاردهم این گونه است، یعنی اگر شما ضمائر را جمع ببینید آسیبی وارد نمی‌شود. آن وقت به مقصود ما که ظلم امتی است این دعا نزدیک‌تر می‌شود.

بنابراین مثلاً ما این‌جا بگوییم «قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَأْنَا» به ما اصابت کرده است «وَ أَنْتَ هَكَه مُنَّا مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ، وَ اغْتِرَارًا...» می‌رویم تا «وَ خُذْ ظَالِمِي» بگوییم «ظالمنّا» این‌طور بگوییم. این ممکن است. آن وقت اگر خواستید، باید با همان عنوان تحریر بشود که موقع خواندن دعا دیگر ذهن‌تان درگیر نشود. دوستانی که در جلسه تشریف دارند، طلاب عزیزمان، کسانی که به ادبیات عربی آشنا هستند، آن‌ها راحت می‌توانند ضمیرها را جمع ببندند. این

براساس آن وحدت حقیقه‌ای که به برکت اسلام در محیط امت برقرار شده است و کل این‌ها می‌شوند اخوة. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>۳</sup> این‌ها بین‌شان اخوت برقرار است و براساس آن اخوت اسلامی یک وحدت حقیقی در باره این‌ها خدای متعال برقرار کرده است. بنابراین این چنین هم بگوییم درست است، به آن مسلمان آن‌جا ظلم شده است، می‌گوییم به من تعدی شده است. مثلاً به برادر و خواهرهای ما در فلسطین یا در لبنان، عزیزهای ما در آن‌جا ستم روا داشتند، می‌گوییم به من ظلم شده است. ضمن این که اشکالی هم ندارد که شما این ضمائر را جمع کنید، جمع ببینید، این را هم داریم، در مبانی هم هست. مثلاً در دعا از جمله تصرفاتی که جایز است؛ البته به شرط این که به ساختار دعا آسیبی وارد نشود، به



گویا به تو ظلم شده است. اگر با آن احساس می‌توانی بخوانی که خیلی خوب است مشکلی هم ندارد. اگر هم خواستید در سطح امت مطرح کنید و آن را فراگیر کنید، آن وقت ضمائر را می‌توانید جمع ببینید و به این ترتیب به آن هدف‌تان هم می‌رسید. فلان بن فلان هم که این‌جا در متن دعا تکلیفش روشن است.

با اجازه‌تان من یک چند جمله سریع در ضمن عبارات دعا عرض می‌کنم، بنای بر تفسیر و شرح و این‌ها نداریم چون آن می‌شود خودش یک موضوع مستقل، چه بسا یک چند جلسه‌ای وقت می‌خواهد که بشود مثل همان روشی که داریم. اکنون فقط می‌خواهیم یک نگاه بیندازیم، یعنی بگوییم دعای چهاردهم در یک نگاه، همین‌طور یک نگاه به آن بیندازیم و در باره‌اش صحبت کنیم، بنابراین شما

مشکلی از این جهت ندارد. به این ترتیب نزدیک‌تر می‌شود. راجع به فلان بن فلان هم بالاخره باید اسم ببرید، این‌جا می‌توانید مثلاً بگویید «من اعداءنا الصهاينة و الأمريکا» این چنین بگویید. حالا ابن نمی‌گویید، ولی همان است، این هم به این ترتیب مشخص کردید که منظورشان چه کسانی هستند که در دعا بناست که اسم برده بشود و تصریح بشود. لذا این‌جا اسم هم می‌آورید، به این ترتیب آن نکته هم حل می‌شود. این هم پس در ارتباط با الفاظ دعا. پس هم می‌تواند به صورت شخصی بماند، در صورتی که به صورت شخصی بماند تو براساس آن وحدت ایمانی و اسلامی خودت را می‌گذاری جای مظلوم. یعنی این قدر احساس رنج می‌کنی، این قدر به خاطر آن ظلمی که در باره برادرها و خواهرهایت شده است اذیت می‌شوی که

کسانی بیایند شهادت بدهند، دیدید به یک کسی ظلم می‌شود حالا بیاید اثبات کند، حالا این ستم‌های امتی که در سطح جهان جزء ستم‌های آشکاری است، آن هم در زمانه ما که اساساً چیزی مخفی نمی‌ماند، فضای رسانه‌ای و ارتباطات و امثال این‌ها هست. در قدیم‌ها این چیزها چه بسا مخفی می‌ماند. یا ظلم به اشخاص می‌تواند مستور اتفاق بیفتد. می‌گویید نه، هیچ چیز در نگاه تو مخفی نیست، خودت داری می‌بینی که چه خبر است. بنابراین شهادت شاهدین را لازم نداریم.

«وَ يَا مَنْ قَرَّبْتَ نَصْرَتَهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ»، ای کسی که نصرت و یاری او به مظلومین نزدیک است. می‌دانید نزدیک بودن، نزدیک بودن حقیقی است. زمان می‌تواند در آن تأخیر و تقدیم و جلو و عقب داشته باشد. در تاریخ اسلام

توقع توضیح نداشته باشید.

## گستره‌ی علم الهی به سرگذشت ستم‌دیدگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظْلِمِينَ وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصِّهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ. وَ يَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتَهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ وَ يَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ».

صدر دعا مخاطب قرار دادن حضرت حق تبارک و تعالی است، داریم خدا را می‌خوانیم، با چه عنوانی خدای متعال را باید بخوانیم؟ وقتی که مسأله ظلم و ستم و ستمگری و امثال این‌ها مطرح است با این کلمات می‌خوانیم، چقدر این جا لطیف است. می‌گویید ای کسی که اخبار مظلومین برای او مخفی نیست. یعنی با این تعبیر «يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظْلِمِينَ» برای این مسأله احتیاجی هم نیست که

تو را پاکیزه می‌دانیم از این که بخواهی ظالمین را یاری کنی. یاری تو متوجه ستمگران نمی‌شود ولی به مظلومین نزدیک است. این اعتقاد ما در باره حضرت حق تبارک و تعالی است. این جا در لفظ قالب دعا و خطاب به حضرت حق ما خدای متعال را با این عناوین به تناسب موضوع ستم و ستمگری و ستمکاران و امثال این‌ها با این چهار اسم خدای متعال را می‌خوانیم. این می‌شود صدر دعا.

بعد می‌گوییم «قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَأْتِنَا مِنْ اِعْدَاءِنَا الصَّهَابِ وَ الْأَمْرِيكَا» می‌گوییم خدایا خودت می‌دانی که از دشمنان ما؛ صهیونیست‌های خبیث پلید تبهکار و حامی آن‌ها امریکای جهانخوار و شیطان بزرگ چه به روز ما دارد می‌آید، چه به ما رسیده است، این‌ها را تو خودت می‌دانی «قَدْ

یک شرایطی پیش می‌آمد که «وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ»؛ می‌گفتند پس این یاری خدا کجاست؟ ما که این جا زیر این فشارهایی که از سمت دشمن می‌آید داریم له می‌شویم. پس کجاست؟ می‌گفت که از نگاه خدای متعال نزدیک است «أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» حالا طبق قاعده‌اش، کی؟ کجا؟ براساس چه قاعده‌ای؟ ولی نزدیک است.

این را هم خواستم عنایت بفرمایید، این قرب این جا معنای خودش را دارد ولی یعنی عنایت الهی شامل حال انسان‌های مظلوم هست و آن‌ها زیر نظر خدای متعال هستند و خدای متعال به آن‌ها توجه دارد و آن‌ها را یاری می‌کند. نقطه مقابلش هم هست «وَايَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ» این هم از باب تسبیح است، یعنی خدایا ما

۴ آیه ۲۱۴ سوره مبارکه بقره

بنابراین این جا یک نکته‌ای مطرح می‌شود؛ انگیزه آن‌ها چیست؟ «بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُمْ، وَ اغْتِرَارًا بِنِكِيرِكَ عَلَيْهِمْ.» این جا یک تحلیل است. ببینید آن‌ها خیلی از نعمت‌های تو در اختیارشان است، علم نعمت خدا است در اختیارشان است، این امکانات نعمت‌های خدا است در اختیارشان است. انواع و اقسام امکانات و قدرت‌هایی که دارند تمام این‌ها را تو به آن‌ها دادی، یعنی در این عالم هر کسی هرچه دارد نعمت خدا است پیش او، ولی این‌ها به جای این که شکر این نعمت را به جا بیاورند این نعمت را وسیله عیاشی و وسیله ستمگری نسبت به دیگران قرار می‌دهند. یعنی نعمت را بر علیه خواست تو و حکمت تو که منع او هستی دارند استفاده می‌کنند و از آن طرف هم نسبت به انتقامی که تو از آن‌ها خواهی گرفت

«عَلِمْتَ». «مِمَّا حَظَرْتَ» حضرت یعنی آن رفتارهایی را دارد دشمن ما انجام می‌دهد که تو منع کردی و نمی‌پسندی. تعدی می‌کنند به شهرها، تعدی می‌کنند به نفس، به نفوس، به بچه‌ها، به خانه‌ها، به اموال، همه چیز را زیر بمباران و موشک‌باران و امثال این‌ها قرار می‌دهند. اگر دست‌شان به کسی برسد دستگیر می‌کنند، زندان می‌برند، شکنجه‌ها می‌کنند. «وَ اِنَّهٗكَ مُنَّا» این‌ها حرمت ما را شکستند، حریم ما را شکستند در حالی که تو آن حریم را برای آن‌ها ممنوع کرده بودی «مِمَّا حَبَزْتَ عَلَيْهِمْ» یعنی این‌ها حق نداشتند که وارد این حریم‌ها بشوند. به رغم این ممنوعیت آن‌ها وارد حریم ما، وارد شهرهای ما شدند و از آن جایی که دست‌شان مستقیم هم نرسد، با بمب و موشک و بالاخره این‌ها تعدی می‌کنند.

را با قوت و قدرت خودت  
 مجازات‌شان کن. «خُذْهُم  
 اخذ عزیز مقتدر» این‌ها را  
 به قدرت و قوت خودت بگیر  
 و مجازات‌شان کن، این‌ها را  
 زمین بزن و منکوب‌شان کن.  
 این خذ معنایش این است.  
 «وَ أَفْلُلْ حَدَّهُ عَنَّا بِقُدْرَتِكَ»،  
 این جا صحیفه در اوج  
 فصاحت است چنان‌که در  
 قله بلاغت است. اگر این  
 جا گفت «بقوتک» در جمله  
 بعدی می‌گوید «بقدرتک»،  
 قوت و قدرت یکی هستند  
 ولی دو تعبیر دارند. این تنوع  
 تعبیر خیلی این جا پسندیده  
 است. امام (علیه‌السلام) این‌ها را  
 هم به ما آموزش می‌دهد.  
 بنابراین «وَ أَفْلُلْ حَدَّهُ عَنَّا  
 بِقُدْرَتِكَ» با قدرت خودت آن  
 تیزی شمشیرهای این‌ها و آن  
 ضربه‌هایی که آن‌ها برای ما  
 می‌زنند، حالا با هر سلاحی  
 که دارند، با موشک‌هایشان،  
 با امکاناتی که دارند، این‌ها را

و آن عقوبتی که نسبت به  
 آن‌ها خواهی داشت، نسبت به  
 آن هم غافل هستند. یعنی آن  
 را دست‌کم می‌گیرند یا منکر  
 هستند. این اغترار همه این  
 معانی را در خودش می‌تواند  
 جا بدهد «وَ اغتراراً بِنکیرک  
 علیهم». نسبت به این هم  
 هیچ التفاتی ندارند، نسبت به  
 آن سنت الهی که می‌گوید من  
 ستمگران را عقوبت می‌کنم،  
 «إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُتَّقِمُونَ»<sup>۵</sup>  
 غضب تو، خشم تو، این‌ها  
 را دست‌کم می‌گیرند.

### خداوند متعال؛ یار مظلومان و دشمن ظالمان

«اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ  
 وَ آلِهِ، وَ خُذْ ظَالِمِنَا وَ  
 أعدائنا عَن ظَلَمِنَا بِقُوَّتِكَ»  
 می‌گوییم خدایا این ظالمان  
 ستمگر را که به ما ظلم  
 می‌کنند و دشمنان ما که در  
 باره ما ستم می‌کنند، این‌ها

۵ آیه ۲۲ سوره مبارکه سجده



مرکز فرماندهی‌شان بین‌شان اختلاف هست تا مردم. مردم‌شان دائم بر علیه‌شان تظاهرات می‌کنند. این‌ان شاءالله این‌قدر زیاد بشود که این‌ها فرصت آزاررسانی نسبت به مؤمنین را پیدا نکنند، این درخواست این است. «وَعَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِمْ» این‌ها عاجز بشوند، یعنی آن‌توان‌شان گرفته بشود که نتوانند به آرزوهایشان در باره تعدی نسبت به مسلمان‌ها برسند.

### دعای چهاردهم؛ دعای نصر

دعای چهاردهم مشهور شد به دعای نصر. اسم‌گذاری کردند، حالا این اسمش در صحیفه نیست، اشکالی هم ندارد. گفتند دعای نصر، بعد هم تلویزیون دعای چهاردهم را با همین اسم معرفی کرد، اسمش را گذاشتند دعای نصر. یعنی دعای درخواست نصرت از خدای متعال. مثل این که آن

تیغ‌شان را کند کن و عملیات و اقدامات‌شان را که بر علیه ما دارند انجام می‌دهند این را بی‌تأثیر کن. می‌دانید «و اَفْلَل حده» وقتی که یک شمشیری مثلاً کند بشود دیگر نمی‌برد. این یعنی اقدامات آن‌ها را در باره ما بی‌اثر کن. با قدرت، این قدرت تو این‌گونه است. «و اجْعَل لَهُمْ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِمْ» آن‌ها را درگیر کارهای خودشان کن. به امور خودشان گرفتارشان کن.

هم‌اکنون شما مشاهده کردید رژیم صهیونیستی از جمله خیلی گرفتار مصیبت‌های داخلی خودش است. مصیبت اقتصادی دارد، مصیبت مهاجرت معکوس دارد. مردم آمده بودند آن‌جا زندگی کنند دیدند این‌جا همیشه بدبختی است، دارند فرار می‌کنند، به یک امیدهایی آمده بودند دارند می‌روند. بین خودشان اختلاف است، می‌بینید از کابینه و

(صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین) یادمان  
 می‌آید از ستم‌هایی که بر  
 آن‌ها رفت، از ظلم‌هایی که  
 متوجه آن‌ها شد. بعد آن‌ها در  
 برابر ظلم و ستمی که نسبت  
 به آن‌ها روا داشته شد از جمله  
 خود امام سجاد (علیه‌السلام)،  
 این‌ها چه رفتاری داشتند،  
 حال‌شان چه حالی بود. این  
 یعنی الگو گرفتن، یعنی توجه  
 می‌کنیم به اهل بیت (علیهم‌السلام)  
 یادمان می‌آید از عاشورا،  
 یادمان می‌آید از کربلا، یادمان  
 می‌آید از بیت امیرالمؤمنین  
 (علیه‌السلام)، یادمان می‌آید از  
 حضرت زهراء (سلام‌الله‌علیها) که  
 قطب این خانواده است. آن  
 نقطه کانونی و مرکزی‌اش  
 فاطمه (سلام‌الله‌علیها) است. بعد  
 یادمان می‌آید از صبر، یادمان  
 می‌آید از مقاومت، یادمان  
 می‌آید از نشکستن، یادمان  
 می‌آید از مقابله‌های قوی و  
 استقامت مثال‌زدنی و ده‌ها  
 نکته است که این‌ها به خاطر  
 ما می‌آید. بنابراین صلوات‌ها

جمعه را هم اسمش را گذاشتند  
 جمعه نصر، دیگر باقی ماند،  
 اسم‌گذاری‌های زیبایی است.

### صلوات، وساطت در استجابت دعا است

عرض به محضرتان این جا  
 صلوات‌ها در این دعا تعریف  
 خودش را دارد. تناسبش هم  
 تناسب وساطت در استجابت  
 دعا است، همان کاری که ما در  
 دعای توسل می‌کنیم. این‌ها  
 آبرومند هستند، خدای متعال  
 به برکت وجودشان دعاها را  
 مستجاب می‌کند. توسل به  
 حقیقت وجودی آن‌ها است که  
 خدای متعال توسط این‌ها به  
 حقایق قدسی و ولی‌اعظمش  
 به مؤمنین نصرت می‌کند.  
 یعنی امام عصر (علیه‌الصلوة‌والسلام)  
 در بین ما یدالله است، عین الله  
 است. این هم یک معنا است  
 که ما در واقع از باطن اولیاء  
 خدا نصرت را توقع می‌کنیم.  
 سوم با یاد محمد و آل محمد

اما نکته بعدی جالب است؛ می‌گویید خدایا این‌ها که این‌طور ستمگری می‌کنند، ما را حفظ کن از این‌که بخواهیم مثل این‌ها رفتار کنیم.

یادتان هست در همین جریانات بعضی‌ها نمی‌گفتند چرا مثلاً حماس، چرا حزب‌الله نمی‌زند وسط جمعیت این‌ها، چرا بچه‌های این‌ها را نمی‌کشد؟ در این صورت چه فرقی بین ما و آن‌ها است؟ ما که بنا نیست مثل او رفتار کنیم، ما هم آن وقت می‌شویم مثل آن‌ها، این‌ها سبع هستند، این‌ها درنده هستند، این‌ها کافر هستند، این‌ها خبیث هستند، کثیف هستند، این‌ها میوه‌های شجره ملعونه هستند، این‌ها تلخ هستند، مبعوض حق هستند، ما که بنا نیست مثل آن‌ها باشیم که، بنابراین در مقابله با آن‌ها ما جوانمرد هستیم، در مقابله با آن‌ها ما متقی هستیم، پارسا هستیم،

را هم این‌جا باید حواس‌تان باشد که معنایش چیست. این صلوات در هر جایی آن الهام‌بخشی خودش را دارد.

### اتحاد مؤمنین با حقیقت و روح تقوا

من دارم به همان ضمیر جمع برای شما می‌خوانم. پس عنایت می‌فرمایید بعد از صلوات می‌گویید «وَلَا تُسَوِّغْ لَهُمْ ظُلْمَنَا وَ أَحْسَنْ عَلَيْهِمْ عَوْنًا، وَ اعْصِمْنَا مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِمْ، وَ لَا تَجْعَلْنَا فِي مِثْلِ حَالِهِمْ» خدایا ستم این‌ها را در باره ما تأیید نکن «وَلَا تُسَوِّغْ» یا مثلاً بگوییم در ستمگری نسبت به ما به این‌ها اجازه نده، رخصت به این‌ها نده. بعضی‌ها هم این چنین معنا کردند. در برابر آن‌ها کمکی که به ما می‌فرستی یک کمک خیلی خوشگل و زیبایی باشد، یک کمک زیبایی از ناحیه خودت به ما برسان. و

تقوا دست ما را می‌بندد. والا برای علی بن ابیطالب کاری داشت؟ کاری نداشت که، در صحنه‌هایی که مواجه می‌شدند در برابر کسانی که آمدند به میدان روبرو می‌شوند به آن‌ها ضربه‌های حسابی هم می‌زنند، چنان می‌زد امیرالمؤمنین که سر طرف به آسمان می‌پرید، کمر او را نصف می‌کرد. پس این دشمنی است که آمده به میدان، اما چه کار به زن و بچه‌اش داریم ما، اما آن‌ها نه شنیدید حضرت اجازه ندادند آب را بر آن‌ها ببندند، این غیرانسانی است. ولی آن‌ها تا دست‌شان رسید آب را بر اهل بیت (علیهم‌السلام) بستند. تازه آن در میدان جنگ بود این‌ها جنگی بودند، حضرت اجازه ندادند آب را به آن‌ها ببندند، اما این‌ها که زن و بچه بودند، علی اصغر (علیه‌السلام) وسط این‌ها بود، نوزاد داشتند، ولی آب را بستند. پس بنا نیست

ما مثل آن‌ها رفتار کنیم. لذا جالب است سوره فتح را که می‌خوانید، آن جا می‌گوید «وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا...»<sup>۶</sup> خدای متعال مؤمنین را با حقیقت تقوا و روح تقوا متحد کرد، متقی هستند، در جنگ هم باشند متقی هستند، این طور نیست که حالا من چون دستم می‌رسد مثلاً سم پاشم سر این‌ها، از مثلاً سلاح شیمیایی استفاده کنم که آن‌ها می‌کنند.

در باره سلاح اتمی هم این مسأله هست، اگرچه حالا آن علی الفرض سلاح اتمی را می‌گویند نمی‌شود از آن استفاده کنید چون کشتار جمعی است. اصلاً طبع سلاح اتمی این است. لذا طبق فتوای رهبر عزیزمان این مسأله ممنوع است چون استفاده از آن ممنوع است، سراغ داشتن آن هم نرفتیم، چون فتوا داریم. این فتوا قابل

۶ آیه ۲۶ سوره مبارکه فتح

شیمیایی را وقتی شما در یک منطقه‌ای بریزید دیگر تأثیرش همه را می‌گیرد، حالا در خود میدان رسمی جنگ نمی‌دانم بشود برای آن یک مجوزی صادر کرد یا نه، در صورتی که مثلاً خیلی ضرورت باشد، ولی در محیط‌های مثلاً جمعی و عمومی که اصلاً نمی‌شود.

در هر صورت می‌خواستم بگویم چقدر این قشنگ است. «وَاعْصِمْنَا مِنْ مِثْلِ أَعْمَالِهِمْ، وَلَا تَجْعَلْنَا فِي مِثْلِ حَالِهِمْ» ما را مثل آن‌ها قرار ندهی که ما هم اگر دست‌مان رسید بخواهیم ستم کنیم. مثلاً اگر از ما اسیر بگیرند آن‌ها با اسیران ما چه کار می‌کنند؟ همین رژیم بعث منحوس با اسرای ما چه کرد؟ واقعاً آن خاطره‌ها را نمی‌شود خواند. این رژیم صهیونیستی بد، آمریکا بدتر از همه این‌ها در ابوغریب و... دیدید صحنه‌هایش منتشر شده اصلاً قابل تصور نیست.

افتخار است. من دیدم مثلاً بعضی از رفقای خود ما، یکی از آقایان ائمه جمعه گفته بود آقا موضوع عوض شده است، از رهبر عزیزمان توقع داریم که فتوای‌شان را عوض کنند. مثل این که یک چنین چیزی را مطرح کردند. در حالی که این فتوا پیش چشم ملت‌های جهان قابل افتخار است. البته بعضی از دوستان بحث‌شان بحث بازدارندگی است، که حالا آن بحث دیگری است باید در وقتش مطالعه بشود و کاری به آن بحث نداریم. ولی اساساً در منطق ما از این سلاح نمی‌شود استفاده کرد. ولی آمریکایی‌ها استفاده کردند، الان بعد از چند سال که از آن ماجراها می‌گذرد آثارش هنوز هست. چقدر مردم، زن‌ها، بچه‌ها آن جا نابود شدند، سوختند، نسل‌شان خراب شده است، آثار و عواقبش هنوز هست. سلاح شیمیایی هم همین طور است. یعنی سلاح

چنین هستند. حالا این جا یک چیزهایی در ذهن من می‌آید حیف که وقت نیست برای شما بگویم، واقعا یک جلوه‌هایی است در سیره پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه) در جنگ، در سیره امیرالمؤمنین، در سیره اباعبدالله در رسم یاران‌شان. مسلم را شنیدید، رفت در خانه هانی، این ابن زیاد دعوت شد به آن جا، طراحی بود که بیاید همان جا حسابش را برسند. این اتفاق خیلی تکان دهنده‌ای است. مسلم پشت پرده شمشیر به دست آماده است، هانی علامت داد، دستش را به هم زد دید خبری نشد، مسلم نیامد. بیاید این طاغوت علیه ما علیه را همین جا حسابش را برسد. عجب. مسلم نیامد، ابن زیاد هم رفت. عیادت بهانه بود، او رفت. وقتی پرده کنار رفت به مسلم گفت چرا نیامدی جلو؟ همه چیز آماده بود که کار این جا تمام بشود، این طاغوت این

ولی ما از آن‌ها اسیر می‌گیریم ما چه کار می‌کنیم؟ رسیدگی می‌کنیم، غذا می‌دهیم، گرمای آن‌ها، سرمای آن‌ها را رسیدگی می‌کنیم. آن شعر شهریار گفت به اسیر کن مدارا. حالا این قاتل من است دست شما افتاد، حتی اگر بعد اعدامش هم کردید حق مُثله کردن او را ندارید. این مکتب است که قابل افتخار است. پس «وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا» حتی در میدان جنگ، تقوا و پارسایی سر جای خودش است.

### رویارویی جوانمردانه؛ روش محمد و آل محمد

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» آن جا که گفتید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» این را که گفتید یعنی روش محمد و آل محمد در جنگ، در میدان جنگ هم باز همین است. جوانمرد هستند، این

قول خودمان حال بیاید، دل‌مان خنک بشود. این در قرآن کریم هست که خدای متعال یک بلایی به سر دشمنان شما می‌آورد که «یشفی به» یعنی دل مؤمنین را خدای متعال شفاء می‌دهد، یک بلایی به سر آن‌ها می‌آورد که دل مؤمنین شفاء پیدا می‌کند.

مثلاً همین موشک‌هایی که «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»<sup>۷</sup> ظاهر و باطن و آشکار و مخفیگاه و علن، یکی‌اش می‌خورد به کشتی آبراهام لینکن، تیر غیب می‌خورد به آن جا، از کجا آمده کجا خورده است؟ این کشتی همان کشتی است که وقتی می‌آمد در اقیانوس، در آب‌های آزاد، خیلی از کشورها خودشان را از وحشت جمع می‌کردند. حالا الحمدلله به لطف خدای متعال این چنین است که می‌خورد. دست بچه‌های یمن درد نکنند، دست بچه‌های

۷ آیه ۱۷ سوره مبارکه انفال

جا حسابش را بررسی. حضرت فرمودند یادم آمد که پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) فرمودند در مکتب ما اقتیال نیست. یعنی ترور از این قبیل ناجوانمردانه که طرف را دعوت کنی بیاید این جا میهمان بشود، در حال عیادت باشد، آن وقت بخواهی نقشه بریزی برای او، نه، ما جوانمرد هستیم. بعد تک و تنها رفت میدان، یکه و تنها ماند.

### خشنودی به نصرت الهی

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعِدْنَا عَلَيْهِمْ عَدُوِّي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيظِنَا بِهِ شَفَاءً، وَ مِنْ حَنَقِنَا عَلَيْهِمْ وَفَاءً.» این جا امام (علیه‌السلام) درخواستی که دارند این است که این نصرتی که می‌خواهی به ما بدهی سریع‌تر برسان. «عدوی حاضر» کان با چشم خودمان ببینیم. این یاری تو را ما در برابر خودمان ببینیم. آن گونه که دل ما، جگر ما به



سجاده (علیه السلام) دعا می‌کند این است، می‌گوید خدایا این‌ها به ما ظلم کردند، ما هم کار بکنیم این پاسخ داده نمی‌شود. اما این ستمی را که آن‌ها در باره ما کردند خدایا برای ما تبدیل کن به عفو خودت، ما کم و کسری داریم، یک کسی به ما ظلم می‌کند. کم و کسری داریم؛ در برنامه‌هایمان، در زندگی‌مان، در اخلاق‌مان، کم و کسری اُمّتی داریم، گناه‌های شخصی داریم، خدایا به خاطر این ستمی که آن‌ها در باره ما می‌کنند، این را برای ما تبدیل کن به عفو خودت. عوض آن برای ما چی باشد؟ عفو تو باشد. «عفوک و رحمتک» ما دو چیز می‌خواهیم، عفو را می‌خواهیم و رحمت را می‌خواهیم. ببینید وقتی کار داده می‌شود دست استاد این می‌شود.

عراق، نمی‌دانم از کجا می‌آید به وقت خودش می‌خورد. یا وقتی که شما می‌بینید تلاویو دارد موشک می‌خورد قلب‌تان شفا پیدا می‌کند. این‌ها نصرت الهی است که ان شاء الله بیشتر از این‌ها هم خواهد شد. این‌ها فکر می‌کردند قصه حزب‌الله تمام شده است در حالی که آن‌جا نوشتند آغاز نصرالله. ان شاء الله بیشتر از این‌ها خواهد شد.

### طلب عفو و رحمت الهی در ازای تحمل ظلم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ عَوْضِنَا مِنْ ظَلَمِهِمْ لَنَا عَفْوَكُ، وَ أَبْدِلْنَا بِسُوءِ صَنِيعِهِمْ بِنَا رَحْمَتِكَ فَكُلُّ مَكْرُوهٍ جَلِيلٍ دُونَ سَخَطِكَ، وَ كُلِّ مَرْزِيَةٍ سِوَاءَ مَعِ مَوْجِدَتِكَ.»  
رفقا! این‌جا دیگر مطلب خیلی عالی و عرفانی می‌شود. این‌جا باز بعد صلوات بر محمد و آل محمد، وقتی امام

## درخواست برای محفوظ ماندن از ظلم کردن بر دیگران

«وَكُلُّ مَرْزَئَةٍ سَوَاءٌ مَعَ  
مَوْجِدَتِكَ. اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ  
اِلَيْنَا اَنْ نَظْلِمَ...»، هم اکنون  
دارد به ما ستم می‌شود؛  
صهیونیست‌ها، استکبار جهانی،  
دیگران دارند به ما ظلم  
می‌کنند. می‌گویند هم‌چنان  
که دوست نداری به ما ظلم  
بشود «فَقِنَا مِنْ اَنْ نَظْلِمَ»  
ما را از این که یک وقت ما  
ظلم کنیم حفظ کن. این چنین  
است. در آن مراودات شخصی  
هم هست، طرف دارد الان به  
من ظلم می‌کند، می‌گویند  
خدایا الان دارد به من ظلم  
می‌شود، کمک کن که من  
هم به کسی ظلم نکنم. به  
یک عبارت دیگری آن موضوع  
قبل از دوباره این جا مطرح  
می‌شود. این جا شما عفو را  
خواستید، رحمتش را خواستید،  
بعد هم غضب خدای متعال  
را نسبت به ظالمین غیرقابل  
تصور می‌دانید. لذا درخواست

سجاده (علیه‌الصلوة والسلام) استاد کل  
است. وسط این معادلات دارد  
برای خودش عفو و رحمت  
خدای متعال را می‌خواهد.  
این آن نگاه توحیدی است.  
بعد هم یک قاعده می‌دهد  
به دست شما، آن قاعده  
چیست؟ این قاعده خیلی  
اساسی است. «فَكُلِّ مَكْرُوهُ  
جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ» هر  
سختی، هر رنجی، هر عذابی،  
هر دشواری‌ای در این عالم  
در برابر خشم و غضب تو  
پیش بیاید آسان است، چیزی  
نیست. الله اکبر. این است آن  
نگاه امام (علیه‌السلام). در تمام این  
ستم‌ها و ظلم‌ها و اذیت‌ها و  
آزارهایی که می‌دهند به ما  
بدهند، بالاتر از این‌ها هم  
که بدهند، این در برابر برق  
خشم و سخط و غضب تو که  
چیزی نیست. لذا می‌گویند  
من از تو عفو و رحمتت  
را می‌خواهم، این است.

شما این است. «اللَّهُمَّ عِرْفَانِي  
 می‌شود «لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ  
 سِوَاكَ، وَ لَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ  
 غَيْرِكَ» خدایا هرچه هم به  
 ما ظلم بشود، ستم بشود،  
 اذیت بشویم دست‌مان را پیش  
 طاغوت‌ها و پیش دستگاه‌های  
 کثیف دیگر دراز نمی‌کنیم  
 که از آن‌ها کمک بخواهیم  
 برای این که این ظلم را  
 بتوانیم جلوی آن را بگیریم.  
 ما از تو کمک می‌خواهیم.

### غیرت توحیدی در برابر جریان طاغوت

رفقا، عزیزان من، برادرها،  
 خواهرها، این منطق را نگاه  
 کنید، این منطق را ببینید،  
 غیرت توحیدی را ببینید،  
 تا یک مشت آدمی که به  
 محض این که یک مقدار  
 شرایط سخت می‌شود کاسه  
 چه کنم چه کنم می‌گیرند،  
 همیشه دنبال این هستند که  
 یک راهی باید پیدا کنیم،  
 یک مذاکره‌ای بکنیم، مسأله را  
 به نوعی حل و فصل کنیم.  
 از بچه‌های غزه یاد بگیرید.  
 اگر ظرفیتش را دارید، اگر هم  
 ندارید که ما دیگر از خدای

این هم جالب است، می‌دانید  
 قاعده قرآنی است. قاعده قرآنی  
 این است که شما حق ندارید  
 برای نجات از یک طاغوتی  
 به یک طاغوت دیگر تحاکم  
 کنید، از او کمک بخواهید.  
 «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى  
 الطَّاغُوتِ»<sup>۸</sup> منع شده بودید.  
 منع شدید از این که بخواهید  
 بروید یک طاغوتی را بردارید  
 بیاورید مثلاً این رژیم‌های  
 کذا و کذا و علیهم ما علیهم،  
 لزان‌ها بخواهیم کمک بگیریم.  
 آیه ۶۰ سوره مبارکه نساء

ما کار خودمان را می‌کنیم. ما کارمان ایستادن است، کشته دادن است، مقاومت است، ما کم نمی‌آوریم، شما کار خودتان را بکنید. در حالی که یادتان هست یک وقتی گفتم به همان مجاهدین گاهی خبر می‌رسد که آقا خانواده‌تان از بین رفت، خانواده‌تان را زدند، اکثر خانواده‌های مجاهدین را زدند، ده تا، بیست تا، سی تا، از خانواده‌شان، از فامیل‌شان زیر همین بمباران‌ها شهید شدند، ولی این‌ها ایستادند. چون خیلی‌هایشان را با برنامه می‌زنند، خیلی از این جاهایی را که دیدید می‌زنند تحت اشراف و کنترل اطلاعاتی رژیم است. می‌داند این‌ها خانواده مجاهدین هستند، می‌رود سراغ‌شان. می‌داند این‌ها تجمعی از خانواده‌های آن‌ها هستند. این‌ها هم بالاخره به شیوه‌های مختلف مطلع می‌شوند. آن‌جا زیر چشم‌شان است. بعد این‌ها

متعال چه بخواهیم، برای شما هدایت بخواهیم. یاد بگیرید.

یادتان هست یک وقت به شما گفتم این بچه‌ها در آن تونل‌ها با یک خرما چند روز در آن شرایط خیلی سخت سپری می‌کنند و جلوی تانک‌ها و جلوی مردان جنگی رژیم کثیف ایستادند. یک وقتی چند بار پیش آمد مطرح شد که گفتند آقا نکند دارد به مردم خیلی سخت می‌گذرد، به این خانم‌ها، به این بچه‌ها، الان هم که هوا این طور است، یک طرف آب را می‌بندند، یک طرف دارو را می‌بندند، شرایط اصلاً برای زندگی وجود ندارد، بیمارستان‌ها را چه وضعی برایش پیش می‌آورند. گفتند نکنند این‌ها سخت‌شان شده باشد، مثل این که یک حرف و پچ‌پچی شده بود، می‌دانید چی شد؟ بلافاصله از مردم به مجاهدین پیام رسید که شما کار خودتان را بکنید

دوره‌اش دارد تمام می‌شود این یارو دارد می‌آید سر کار، می‌گویند یک فرصتی است، این فرصت را ما نباید از دست بدهیم. این آن یاروی قبلی نیست. می‌گویند این یک ترامپ دیگری است. خاک بر سر آن کسانی که امید می‌بندند و آن کسانی که به آن‌ها امید می‌بندند. این‌ها قابل اعتماد هستند؟ آیا باید برویم مذاکره کنیم؟ به این‌ها شما دل می‌بندید؟ بیایید پای درس امام سجاد (علیه‌السلام)، روح توحیدی را در خودتان تقویت کنید. بگوییم «اللهم لا تشکوا الی احد سواک، اللهم اننا نشکو الیک فقد نینا» ما که نمی‌رویم سراغ دشمنان «و لانتعین بحاکم غیرک».

البته این سیستم‌های بین‌المللی و این‌ها هم هست، می‌دانید خاصیتی ندارد. این هم ابزار دست آن‌ها است. منتها چون یک خرده جنبه مثلاً بین‌المللی

خبر می‌دهند که شما کار خودتان را بکنید. بعد اگر یک وقت مثلاً یحیی سنواری است، یا اسماعیل هنیه‌ای است که باید برود به میدان مذاکره، باز به رجل دیپلمات‌شان هم از میدان خبر می‌دهند آقا تو قوی عمل کن، کار خودت را درست انجام بده، نخواهی آن جا کم بیاوری. تو نماینده یک ملت مقاوم هستی.

پیشنهاد یکی از این روزنامه‌ها را بخوانید، خجالت نمی‌کشند، در جمهوری اسلامی، قلب منطقه مقاومت، پیشنهاد سراسر ذلت، خفت، نکبت دارد می‌دهد به خاطر این که حالا یک ذره قطعی برق شده است. شما شرایط اقتصادی را مقایسه کنید، وضعیت جبهه مقاومت را، در لبنان ببینید، در غزه ببینید. خودمان در شرایط سختی که داشتیم. آن وقت این‌ها چه می‌خواهند؟ می‌گویند تو گفستی نکن. حالا آن یارو

اجرا نیست، به فرض این که بخواهند اعدام هم بکنند یک اعدام است. ولی حکمش باید حکم پنجاه هزار اعدام باشد. می‌دانید مثلاً به طرف می‌گویند حبس او پانصد سال است. خوب قابل اجرا نیست ولی بالاخره حکم باید این چنین باشد، و الا اجرای آن با خدای متعال است که می‌داند با این‌ها باید چه کار کند. این‌ها را انسان می‌خواند واقعاً خیلی اذیت می‌شود. بعضی‌ها چقدر کوتاه‌فکر هستند، کوتاه‌نظر هستند، چقدر باطن‌شان گرفتار شرک است، چقدر ابتلاء دارند که تا گفتی نکن همیشه دنبال این هستند که یک راهی باید پیدا کنند، همیشه هم چشم‌شان به کدخدا است. بابا آن کدخدایی که شما فکر می‌کردید کرک و پشم او ریخته است. در دنیا دیگر آبرویی ندارد، حیثی ندارد. بچه‌های یمن ما اخیراً حساب‌شان

دارد، به حسب ظاهر خارج از آن سیستم مثلاً قرار گرفته است، آن‌ها حالا محل یک نوع مذاکرات و یک چیزهایی هست. ولی آن‌ها هم آخرش این است که دادگاه لاهه تشکیل می‌شود بعد به قول طلبه‌ها التی یا و التی. یعنی یک سال و خرده‌ای است این‌ها دارند می‌کوبند، می‌کشند، نسل‌کشی می‌کنند، این رفتارهای وحشیانه را دارند انجام می‌دهند، بعد از همه این‌ها به تعبیر حضرت آقا روحی فداه که امروز فرمودند حکم بازداشت صادر کردند، خسته نباشید. حالا این عیب ندارد، می‌توانند به حکم بازداشت عمل کنند؟ آقا فرمودند این را باید حداقل حکم اعدامش را می‌دادید که بگویید ما یک دادگاه عادل‌های هستیم. چند هزار نفر را این‌ها کشتند؟ پنجاه هزار نفر. پنجاه هزار مرتبه این کثیف باید اعدام بشود، اگرچه این قابل

خواری آن‌ها را می‌بینیم، بیشترش را می‌خواهیم، اصلاً ریشه‌کن شدن‌شان را، نابودی نهایی‌شان را از تو می‌خواهیم، درخواست‌مان است. پس این یک مسأله است، و این که این شکایتی که ما به محضر تو آوردیم منجر به تغییر بشود، اوضاع را عوض کند، وضعیت تغییر کند، حالا به هر قاعده‌ای که لازم است.

### درخواست آزمایش نشدن با نامیدی

بعد هم مسأله‌ای که درخواست می‌شود این است، ببینید ممکن است انسان‌های مثلاً جبهه ایمان، جبهه حق، بر اثر فشارهای سنگین، این‌ها یک وقت گرفتار ناامیدی بشوند، گرفتار تزلزل و ناامیدی بشوند، می‌گویند خدایا در برابر این امتحانی که برای من پیش آمده و ما در برابر این امتحانی که برای من پیش آمده گرفتار

را رسیدند، همین بچه‌های خودمان حسابش را رسیدند.

### درخواست اجابت دعا

کلمه «حَاشَاكَ» هم یادتان باشد این جا می‌گوید «وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ»، «فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ، وَصَلِّ دُعَانَا بِالْإِجَابَةِ، وَاقْرَأْ شِكَايَتَنَا بِالتَّغْيِيرِ. اللَّهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا بِالْقَنُوطِ مِنْ أَنْصَافِكَ، وَلَا تَفْتِنَهُمْ بِالْأَمْنِ مِنْ أَنْكَارِكَ» بعد از این صلواتی که این جا می‌فرستند، این جا یک فصل دیگری را مجدد امام (علیه‌السلام) باز می‌کنند می‌فرمایند دعای من را به اجابت متصل کن، مستجاب کن. این اسرار و الحاح به درگاه خدای متعال موضوعیت دارد. خدایا اجابت کن، ولو جلوی چشم‌مان داریم نصرت تو را می‌بینیم، بیشترش را می‌خواهیم، ولو خفت و



می‌خواهد. این جا هم از این قبیل است. دقت می‌فرمایید، ممکن است برای شما تحمل این سخت باشد، ولی این را می‌خواهد. مثالش هم در قرآن برای فرعون است. خدای متعال برای فرعون هدایت می‌خواهد. لذا وقتی که او توبه کرد، گفت دیر کردی. یعنی یک مقدار زودتر توبه می‌کردی یک راهی داشت.

پس دستگاه هدایت الهی این چنین است، حتی برای آن‌ها هم هدایت را می‌خواهد. یعنی غرض برای تان سنگین نیاید.

﴿وَعَرَّفَهُمْ عَمَّا قَلِيلًا مَّا أُوْعَدَّتْ الظَّالِمِينَ﴾ ببینید ما الان این جا دو چیز را هم‌زمان می‌خواهیم؛ یک: نسبت به دشمنان مان خدایا آن چیزی را که به ستمگران وعده دادی به سرشان بیاور، به آن‌ها نشان بده. این در باره آن‌ها. یعنی آن انتقام و آن که خلاصه حساب‌شان را

قنوت و ناامیدی نشویم. چون دیدید بعضی‌ها می‌گویند خدایا پس عدل تو کجاست؟ چرا این‌ها را مجازات نمی‌کنی؟ بعضی‌ها را دیدید عاطفی می‌شوند، احساساتی که می‌شوند، حواس‌شان به سنت‌های الهی، به امتحان‌ها و امثال این‌ها دیگر نیست. این هم هست.

بنابراین نسبت به دشمن چه می‌خواهیم؟ می‌گوییم خدایا آن‌ها را هم با احساس امنیت در برابر آن مجازاتی که می‌کنی و خشم و غضبت، آن‌ها را هم مبتلا نکن، بالامن، این هم خیلی عرفانی است. البته این جا یک تفاوتی دارد. حالا ما در منطق امام (علیه‌السلام) تصرف نکنیم. یعنی شخصی و غیر شخصی‌اش نکنیم. امام (علیه‌السلام) برای کسانی که مبتلا به اعوجاج هستند همیشه هدایت می‌خواهد، کانون هدایت الهی است، برای‌شان هدایت

دائم سخت‌تر می‌شود، سطح امتحان‌های عادی هم این‌طور است، سطح شما که می‌رود بالاتر امتحان هم متناسب با آن سخت‌تر می‌شود. اگر می‌خواهی امتحان را از ما سخت‌تر کنی به ما توفیق رضا بده. حالت رضا، حکمت الهی است برای ما یا حتی نسبت به دشمنان ما، می‌خواهد دشمنان ما دست‌شان در ستمگری گسترده‌تر بشود تا حجت الهی بر آن‌ها تمام بشود. رسوایی آن‌ها بیشتر بشود، بالاخره حکمت‌ها است. «باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم‌مخور.» خیلی حکمت‌ها در پشت پرده‌ها هست. وظیفه مؤمن در برابر این چیست؟ وظیفه‌اش رضا است. یعنی امتحان سخت‌تر می‌شود ما باید مقاومت و صبرمان را بیشتر کنیم. این جا ما از خدای متعال مقام

می‌رسی. نسبت به ما چی؟ «وَعَرَّفْنَا مَا وَعَدْتُمْ مِنْ إِبَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ.» به ما هم نشان بده که به کسانی که مضطر هستند، «أَمِنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا» و یکشف سوء» این کشف سوء را هم به ما نشان بده، به آن‌ها هم آن سوط عذابت را، آن تازیانه عذاب را به آن‌ها نشان بده. این هم درخواست ما است.

### درخواست مقام رضا و تسلیم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنَا لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لَنَا وَعَلَيْنَا وَرَضْنَا بِمَا أَخَذْتَ لَنَا وَمِنَّا، وَاهْدِنَا لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمَلْنَا بِمَا هُوَ أَسْلَمُ.» این جا یک مقام رضا را می‌خواهد. یک وقت‌هایی است که این امتحان‌ها را خدای متعال مدام می‌خواهد سخت‌تر کند. حواس‌تان را جمع کنید، ابتلاء است. همین‌طور امتحان

زهراء (سلام الله عليها) را مطالعه کنید، مخصوصاً در ماجرای حضرت صدیقه اطهر (سلام الله عليها) اینها مجازات ظاهری هم نشدند، شدند یا نشدند؟ یک چیزی من یک وقت خواندم، جگر آدم آتش می گیرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد نشسته بودند یک نفر آمد پیش حضرت (علیه السلام)، پیش چه کسی؟ علی بن ابیطالب، یک شخص عادی نیست. آمد پیش امیرالمؤمنین گفت آقا خبر دارید؟ حضرت فرمودند از چی؟ فرمودند قنفذ مقام گرفت، منصب پیدا کرد. یعنی در جامعه ای که علی زندگی می کند اینها هم بودند، جلوی چشم امیرالمؤمنین (علیه السلام) این مجرمین راه می رفتند، مطلب چه بوده است؟ حکمت الهی چیست؟ نمی دانم. بناست اینها مجازات هایشان باشد برای بعد. لذا حضرت فرمود سهم من صبر است، چون اگر غیر

رضا را می خواهیم و این که خدای متعال ما را به بهترین راه خودش و محکم ترین آنها هدایت کند و ما مشغول سالم ترین کار باشیم، هیچ وقت از آن سلامتی در عملیات و اقدام خودمان خارج نشویم.

### دعا برای غلبه بر کینه و خشم از دشمن

«اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لَنَا عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لَنَا وَ تَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمْنَا إِلَيْ يَوْمِ الْفُضْلِ وَ مَجْمَعِ الْخُصْمِ» مَا رَضَايَتِ را از خدای متعال می خواهیم، آن وقتی که خدای متعال انتقام از این ستمگران را برای قیامت گذاشته است. این جا ما باز برای خودمان رضایت حضرت حق را می خواهیم. وقت هایی یک شرایطی پیش آمده شما مثلاً ماجرای اباعبدالله (علیه السلام) را مطالعه کنید، مثلاً ماجرای حضرت

«وَأَعْزَنَا مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَ  
 هَلَعَ أَهْلَ الْحَرَصِ» این هل  
 اهل‌الحرص، اعذناً که این جا  
 می‌گویند این است که یک  
 وقت یک کسانی بخواهند به  
 خاطر حرص و طمع به دنیا  
 و زندگی راحت دو روز دنیا  
 ما را ببرند پای میز مذاکره با  
 شیطان. در جمله قبلی گفتم  
 این هم یک نمونه‌اش است.  
 «وَ صَوَّرَ فِي قُلُوبِنَا مِثَالَ  
 مَا ادَّخَرْتَنَا مِنْ ثَوَابِكَ»  
 این جا از خدای متعال  
 یقین‌خواهی و آرامش باطنی  
 را می‌خواهد، می‌گوید خدایا  
 در دل‌های ما آن ثواب‌ها و  
 پاداش‌هایی را که به خاطر  
 مقاومت می‌خواهی بعدها به  
 ما کرامت کنی، آن پاداش‌ها را  
 در دل‌های ما تصویرگری کن.  
 می‌دانید خدا این کار را  
 می‌کند، این رزمنده‌ها،  
 این مقاومین، این مظلومین،  
 این‌هایی که این طور  
 ایستادند، مقاومت‌شان غیرقابل

از این باشد آسیب‌های بزرگ  
 متوجه اسلام، متوجه کیان  
 مؤمنین، آینده‌شان می‌شود.  
 اگر فاطمه ممتحنه است و  
 صابره، فرمود من هم ممتحن  
 و صابر هستم. هر کدام یک  
 جور باید صبر کنند. آن وقت  
 آن جمله را فرمود «فَصَبِّرْتُ وَ  
 فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ  
 شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهَبًا»<sup>۹</sup> فرمود  
 با چشم‌های خودم دیدم که  
 غارت می‌کنند، غارتگری‌شان  
 را با چشم‌های خودم دیدم.  
 «فَصَبِّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ  
 فِي الْحَلْقِ شَجَا» صبر کردم.

### درخواست دوری از تمایلات و درخواست‌های ناپسند و حرص

«فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ،  
 وَ أَيِّدْنَا مِنْكَ بِنَيْئِهِ صَادِقَةً وَ  
 صَبْرَ دَائِمٍ» پروردگارا! نیت  
 صادق و صبر دائم را هیچ  
 وقت از ما نگیر، تحت هر  
 شرایطی ما صبر داشته باشیم.

می‌کنند و شتاب‌های آن چنانی می‌کنند، ایمان و تحمل‌شان کم می‌شود، می‌گویند ما یک وقت کم نیاوریم. «وَ ثَقَنَّا بِمَا تَخَيَّرْتَ أَمِينٌ رَبُّ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.» و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. پایانش هم پناه بردید به قدرت بی‌کران الهی «إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

امیدواریم خداوند تبارک و تعالی هرچه که در این دعای چهاردهم هست در باره ما و امت اسلامی مستجاب بفرماید. «و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.»

تصور است، به خاطر این که خدای متعال آن پاداش و جزایی را که برای مجاهدان، برای مؤمنان، برای اهل صبر پیش‌بینی کرده است، این را در دل‌های آن‌ها تصویرگری می‌کند، به آن یقین می‌رسند. لذا نمی‌شکنند. عجب درخواستی است. بعد چی؟ «وَ أَعَدَدْتَ لَخَصْمِنَا مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ» آن عقوبتی که برای دشمن ما، برای دشمنان ما در نظر گرفتی، آن را هم در دل ما تصویر کن که ما از همین الان ببینیم آن‌ها چگونه در شعله‌های انتقام تو می‌سوزند، این را به ما نشان بده، به دل ما نشان بده که ما به آرامش برسیم «وَ اجْعَلْ ذَلِكَ سَبِيًّا لِقَنَاعَتِنَا بِمَا قَضَيْتَ» و این را وسیله‌ای قرار بده که ما در برابر فرمان و خواست و اراده و حکمت تو قناعت داشته باشیم. این جا دیدید بعضی‌ها عجله‌های عجیب و غریب







افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر